

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال پانزدهم ، شماره دوم

تابستان ۱۳۹۳، شماره مسلسل ۵۸

روابط معصومان علیهم السلام با اهل کتاب و مبانی آن

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۷/۲۵

تاریخ تأیید: ۹۳/۱۱/۱۲

سیدفخرالدین طباطبایی*

اهل کتاب به پیروان یکی از ادیان آسمانی گفته می‌شود که یا خارج از سرزمین‌های اسلامی به سر می‌برند و یا براساس ضوابط مشخصی در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند. با توجه به روابط گسترده فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مسلمانان با اهل کتاب در طول تاریخ و ادامه گریزناپذیر این روابط در دوران کنونی، کوشش برای به دست آوردن مبانی این روابط، اهمیت فراوانی دارد. گزارش‌های تاریخی نشان دهنده تعامل گسترده معصومان علیهم السلام با اهل کتاب هستند و با توجه به نقش الگویی ایشان، مسلمانان می‌توانند روابط خود با اهل کتاب را بر سیره معصومان علیهم السلام استوار سازند. مقاله حاضر، پس از مروری کوتاه بر تعریف اهل کتاب، مبانی سیره معصومان علیهم السلام را بر اساس متون دینی در چهار محور تقوا، کرامت ذاتی اهل کتاب، صلح طلبی، اجبار نکردن پذیرش اسلام و احترام به حقوق اهل کتاب بررسی می‌کند. مقاله نشان می‌دهد که روش تعامل پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امامان شیعه علیهم السلام با اهل کتاب خشن و دور از عقلانیت و یا دارای تساهل و تسامح بی‌حد و اندازه نبوده است.

واژه‌های کلیدی: معصومان علیهم السلام، اهل کتاب، یهودیان، مسیحیان.

* دانش‌پژوه کتری فلسفه دین، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.

مقدمه

شیوه زندگی هر انسانی برآمده از اصولی است که بر تمام افعال وی سایه افکنده است. روش و سیره زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از بن‌مایه‌های مهم و مطمئنی است که مسلمانان با استناد به آن، اصول زندگی دینی و دنیایی خود را استخراج می‌کنند. چنان‌که خداوند در آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست؛ برای آن‌کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند»^۱

به مسلمانان سفارش می‌کند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در روش زندگی، الگو قرار دهند. شیعیان، با اثبات عصمت ائمه عليهم السلام، ایشان را جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و روش و سیره آنها را برابر سیره آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم می‌دانند. بر این اساس، هر شیعه با انسانی روبه‌رو است که لحظه‌لحظه حیات دوپست و پنجاه‌ساله وی^۲، الگوبخش زندگی است. از این‌رو برای پیروان امامان عليهم السلام شایسته است که حتی بن‌مایه‌های روابط با غیرمسلمانان را بر پایه روش رفتاری پیشوایان معصوم عليهم السلام استوار کنند.

بر این اساس، بسیاری از فقیهان شیعه به فراخور بحث‌های فقهاتی، برخی از نکات مربوط به این مقاله را به‌صورت پراکنده در باب‌هایی مانند طهارت و جهاد بررسی کرده‌اند. پراکندگی این نکته‌ها سبب شده است که برخی از اندیشمندان به جمع‌آوری آنها همت گمارند. به عنوان نمونه، در کتاب‌های حقوق اقلیت‌ها براساس قرارداد ذمه^۳ و اسلام و همزیستی مسالمت‌آمیز^۴، شماری از حقوق گروهی از اهل کتاب که با حکومت اسلامی پیمان ذمه بسته‌اند بیان شده است.

این تحقیق با توجه به گستره موضوع و محدودیت‌های حاکم بر مقاله‌نویسی درصدد تبیین مهم‌ترین اصول حاکم بر روابط پیشوایان معصوم عليهم السلام با اهل کتاب است.

تعریف اهل کتاب

در بسیاری از آیه‌های الهی، خداوند با تعبیری مانند «یا اهل کتاب»^۵ «إِنَّ الَّذِينَ أوتُوا الكتاب»^۶ و «الَّذِينَ أوتوا نصیباً من الكتاب»^۷ بارها از گروهی سخن می‌گوید که وجه مشترک آنها، ایمان به کتابی آسمانی به غیر از قرآن است. یهودیان و مسیحیان، مهم‌ترین این گروه‌ها هستند.^۸ مسلمانان به پیروی از قرآن از واژگانی مانند کتابی و اهل کتاب برای اشاره به این گروه استفاده می‌کنند.

از سوی دیگر، کفر در قرآن دارای معنای گسترده‌ای است و همه منکران رسالت نبی اکرم ﷺ، قرآن یا برخی آموزه‌های دینی مانند معاد را در برمی‌گیرد. از این رو در آیه‌های فراوانی از قرآن، اهل کتاب به کفر توصیف می‌شوند.^۹ فقهای شیعه با استناد به این رویکرد، ایشان را در میان کفار به شمار می‌آورند. با توجه به این نکات، اهل کتاب، این‌گونه تعریف می‌شود:

اهل کتاب، کسانی هستند که به یکی از کتب آسمانی جز قرآن باور داشته و با آمدن اسلام، همچنان بر کیش پیشین خویش پای فشرده و مسلمان نشده‌اند. این گروه با وجودی که به خداوند معتقد هستند، به دلایلی مانند انکار قرآن یا رسالت نبی اکرم ﷺ کافر نامیده می‌شوند.^{۱۰}

اصول حاکم بر سبک زندگی امامان معصوم علیهم‌السلام در ارتباط با اهل کتاب

به باور شیعه، شیوه رفتاری پیشوایان معصوم علیهم‌السلام برگرفته از فرمان‌های الهی در قرآن است. به همین دلیل، امامان معصوم علیهم‌السلام و قرآن، در حدیث ثقلین، دو ثقل جدایی‌ناپذیر به شمار می‌آیند. از این رو، با نگاه دقیق به آیه‌های قرآن، می‌توان به سیره و رفتار ائمه معصوم علیهم‌السلام پی برد و با بررسی سیره آن بزرگواران به تفسیری درست از آیات الهی رسید. در ادامه به برخی از اصول قرآن و بازتاب‌های آنها در رفتار اهل بیت علیهم‌السلام

اشاره می‌شود.

۱. تقوا محوری

از دیدگاه قرآن، همه انسان‌ها از یک مرد و زن آفریده شده‌اند. خداوند در این باره می‌فرماید:

ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. از جمندترین شما نزد خدا، با تقواترین شماست. بی‌تردید خداوند، دانای آگاه است.^{۱۱} ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید، همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت و از خدایی بپرهیزید که (همگی به عظمت او معترفید و) هنگامی که چیزی از یکدیگر می‌خواهید، نام او را می‌برید (و نیز) (از قطع رابطه با) خویشاوندان خود، پرهیز کنید؛ زیرا خداوند، مراقب شماست.^{۱۲}

این آیه‌ها به روشنی مشخص می‌کنند که هیچ گروهی از انسان‌های مسلمان و غیرمسلمان، به دلیل نوع نژاد یا قبیله خود، حق فخرفروشی بر دیگران را ندارند و تنها معیار برتری، تقوا و پرهیزکاری است. در بسیاری از دیگر آیه‌ها با خطاب «یا بنی آدم»^{۱۳} و «الانسان»^{۱۴} روبه‌رو هستیم که نشان می‌دهد این امر در بسیاری از قوانین، سنن الهی و همه انسان‌ها مشترک است.

از این رو در سیره رفتاری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم عليهم السلام به جای بحث از عرب و عجم، تقوا معیار اصلی برتری انسان است. ارج نهادن این بزرگواران به افرادی مانند سلمان و یا ازدواج معصومان عليهم السلام با کنیزان، بر همین اساس تفسیر می‌شود.

بر این اصل به‌ویژه در سیره امیرالمؤمنین حضرت علی عليه السلام تأکید می‌شود. آن

حضرت علیه السلام در فرمان نامه خود به مالک اشتر برای برعهده گرفتن استانداری مصر، درباره مردم آن سرزمین که بسیاری از آنها مسیحی و غیرمسلمان بودند می نویسد:

دلت را پراز مهر و محبت به رعیت کن و در برابر آنها، هم چون درنده‌ای خون‌خوار مباش که خوردن ایشان را غنیمت شماری؛ زیرا آنان دو دسته‌اند: یا برادر دینی تو هستند و یا در آفرینش همانند تو^{۱۵}

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سخنان دیگری بر چنین رفتاری با انسان‌ها تأکید می‌کند.^{۱۶} هم‌چنین، هنگامی که محمد بن ابوبکر را برای حکومت مصر می‌فرستاد، فرمود:

با مردم، فروتن، نرم‌خو و مهربان باش و با گشاده‌رویی رفتار کن. در نیم‌نگاه و خیره شدن به مردم نیز به تساوی رفتار کن.^{۱۷}

دقت در واژه رعیت (مردم) نشان می‌دهد که از نگاه ائمه معصوم علیهم السلام مهرورزی و دادگری، مخصوص مسلمانان و مؤمنان نیست و درباره تمام افراد جامعه است.

۱-۱. یک‌سان نبودن نگاه اسلام به اهل کتاب

از نگاه قرآن، تمامی اهل کتاب را نباید به یک چشم نگریست. در این کتاب مقدس، با وجود نکوهش و سرزنش تند بسیاری از اهل کتاب به دلیل اقدام آنها در کتمان آیات الهی، پیمان شکنی، گردن‌کشی، ستم و رباخواری^{۱۸} سخن از اقلیتی به میان آمده است که راسخ در علم^{۱۹} هستند، به خدا، قرآن و کتاب آسمانی خود ایمان دارند، در برابر خدا خاشع هستند و آیات الهی را به بهای ناچیز نمی‌فروشند.^{۲۰} اینان همان گروه درست‌کردار هستند که آیات الهی را در دل شب می‌خوانند و سر به سجده می‌نهند. خدا و روز رستاخیز را باور دارند، به کار پسندیده فرمان می‌دهند، از کار ناپسند باز می‌دارند، در کارهای نیک شتاب می‌کنند و آنان از شایستگان هستند.^{۲۱}

این آیه‌ها بر تقوا محوری در رتبه‌بندی انسان‌ها تأکید دارند. از این رو، پیشوایان شیعه به اهل کتاب نگاه یک‌سانی ندارند و آنها را به دو دسته حربی و غیرحربی تقسیم کرده‌اند.

اهل کتاب حربی در نگاه اوصیای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کسانی هستند که افزون بر پای‌بند نبودن به اسلام، به هیچ پیمانی با مسلمانان گردن نهاده‌اند. در مقابل، اهل کتاب غیرحربی که به اسلام پای‌بند نشده‌اند، با بستن پیمان‌ها با مسلمانان، به نوعی اسلام را به رسمیت شناخته‌اند.^{۲۲}

آیه‌های الهی قرآن، تأییدی بر این تقسیم‌بندی است. چنان‌که در یکی از آیه‌های قرآن، مردم به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته‌ای که با اسلام و مسلمانان سر جنگ دارند و دسته دیگری که ستیزی با مسلمانان ندارند. خداوند به مسلمانان توصیه می‌کند که با دسته دوم به دادگری و نیکویی رفتار کنند:

[اما] خدا شما را از نیکی و عدالت ورزیدن با کسانی که در [کار] دین با

شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد؛ زیرا خدا دادگران

را دوست می‌دارد.^{۲۳}

با توجه به این‌که برخی از اهل لغت، کلمه «بر» را تمامی انواع نیکی کردن^{۲۴} و یا وسعت دادن در نیکوکاری^{۲۵} می‌دانند، می‌توان ادعا کرد که خداوند، هرگونه نیکوکاری، همانند کمک به تهی‌دستان و بینوایان اهل کتاب را که با مسلمانان در صلح هستند، بر مسلمانان روا می‌داند.

۲-۱. تقوامجوری و پاکی ذاتی اهل کتاب

یکی از فروع تقوامجوری در اسلام، پاک قلمداد شدن مؤمنان و ناپاک بودن ملحدان و کفار است. در سبک زندگی اهل بیت علیهم‌السلام الحاد به خداوند، بدترین گونه بی‌تقوایی است و به این سبب، جسم ملحدان در شمار ناپاکی‌ها قرار می‌گیرد اما اهل کتاب که دچار کژاندیشی‌هایی در دین الهی شده‌اند، به دلیل این‌که از برخی مراتب ایمان بهره‌مند هستند، در پاره‌ای از احکام با ملحدان یکسان قلمداد نمی‌شوند.

از این رو، درباره این‌که معصومان علیهم‌السلام اهل کتاب را همانند کفار، نجس می‌دانستند یا

آنها را پاک می دانستند در میان فقها اختلاف وجود دارد. بسیاری معتقدند که امامان معصوم علیهم السلام به عدم پاکی ذاتی آنان حکم کرده اند ولی گروهی با بررسی زندگی اهل بیت علیهم السلام به پاکی ذاتی اهل کتاب عقیده دارند. دیدگاه نخست از شهرت بیشتری برخوردار است ولی با بررسی روایتها آشکار می شود که قول به پاکی اهل کتاب، با وجود روایت های معتبر و بررسی روش زندگی پیشوایان شیعه، از جاهت بیشتری برخوردار است و بسیاری از فقهای گروه نخست، تنها به دلیل شهرت نجاست اهل کتاب، از این روایتها اعراض کرده اند.^{۲۶}

یکی از موارد نشان دهنده پاکی ذاتی اهل کتاب، حدیث صحیحی است که به روشنی، گویای روش برخورد اهل بیت علیهم السلام با این گروه است. در این نقل، راوی از این که خدمتکار امام رضا علیه السلام مسیحی است، تعجب می کند و به ایشان عرض می کند:

یک زن، خدمتکار شماست و می دانید که او مسیحی است و دست های خود را نمی شوید و غسل جنابت نمی کند.

حضرت در پاسخ فرمود:

اگر دست های خود را بشوید، مانعی نیست.^{۲۷}

افزون بر این، روایت های فراوانی در کتاب های حدیثی وجود دارد که نشان می دهد پیشوایان معصوم علیهم السلام اجازه می دهند مرد و زن ترسا به شرط شست و شوی دستان خود، مسلمانان را غسل میت دهند.^{۲۸} این گونه روایتها، قرینه بسیار استواری بر پاکی ذاتی اهل کتاب است؛ زیرا شستن دست در این احادیث، نشان دهنده این است که گاه اهل کتاب با وجود پاکی ذاتی، آلوده به نجاست هایی مانند خون، شراب و گوشت مردار می شوند و اهل بیت علیهم السلام در مراوده با اهل کتاب، شیعیان را از این گونه نجاست منع می فرمودند.

روش مراوده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با اهل کتاب گویای این نکته است؛ زیرا بنابر برخی

روایت‌ها، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با برخی از ترسایان شرط کرد که هرگاه سپاه اسلام از سرزمین آنها عبور کرد، میزبانی آنها را بر عهده گیرند.^{۲۹} از این اخبار استفاده می‌شود که اهل کتاب به طور ذاتی پاک هستند؛ زیرا پذیرایی، مستلزم تماس بدن اهل کتاب با نان، غذا و نوشیدنی‌هایی بود که در اختیار سپاه اسلام قرار می‌گرفت و در صورت نجاست ذاتی آنان، استفاده از نان، غذا و نوشیدنی‌هایی که نیاز به دخالت دست و ظرف اهل کتاب دارد، جایز نبود. در حالی که روایت‌های یادشده به طور مطلق، مهمان شدن سپاه اسلام بر اهل کتاب را جایز می‌شمردند و فرقی میان غذاها نمی‌گذارند.

با توجه به این‌گونه روایت‌ها، بسیاری از فقهای شیعه مانند شیخ طوسی،^{۳۰} سیدمحمد عاملی،^{۳۱} فیض کاشانی،^{۳۲} حاج آقا رضا همدانی،^{۳۳} آخوند خراسانی،^{۳۴} و بسیاری دیگر^{۳۵} به پاکی ذاتی اهل کتاب فتوا داده‌اند. این نکته را نباید از نظر دور داشت که معتقدان به نجاست اهل کتاب، با استناد به آیات الهی^{۳۶} و روش زندگی پیشوایان معصوم که هرگونه باور شرک‌آمیز اهل کتاب را نفی می‌کردند، نجاست اعتقادی این گروه را به ظاهر آنان سرایت می‌دهند و در اثبات نظر خود می‌کوشند. این امر نشان می‌دهد که دوری از این‌گونه باورها، یکی از موارد حتمی در سبک زندگی اهل بیت علیهم‌السلام بوده است.

۲. کرامت ذاتی اهل کتاب

از آیه‌هایی مانند آیه «و هر آینه فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها و کشتی] برنشانندیم، و از چیزهای پاکیزه روزی شان دادیم و آنان را بر بسیاری از آفریدگان خویش برتری کامل بخشیدیم»^{۳۷} به سادگی می‌توان دریافت که انسان در دستگاه هستی، دارای جایگاهی والاست. براین اساس، بسیاری از اندیشمندان، او را شریف‌ترین موجود و برترین مخلوق خداوند می‌دانند.

کرامت و شرافت، به تصریح آیه یاد شده، همه انسان‌ها را بدون در نظر گرفتن جنس، مذهب و نژاد در برمی‌گیرد.^{۳۸} این اصل، بی‌گمان یکی از اصول رفتاری اهل‌بیت علیهم‌السلام با

همه انسان‌ها، از جمله اهل کتاب است. در ادامه، برخی از بازتاب‌های این آموزه قرآنی را در روش زندگی آن بزرگوران مرور می‌کنیم.

۱-۲. تکریم اهل کتاب و خوش رفتاری با آنها

خداوند در آیه‌ای، پس از نهی بنی اسرائیل از پرستش غیرخدا، به آنها فرمان می‌دهد که با مردم به گفتار خوش برخورد کنند:

و از فرزندان اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید، و به والدین و خویشان و یتیمان و مستمندان نکویی کنید، و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید^{۳۹}

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه معتقد است:

این تعبیر کنایه از حسن معاشرت با مردم است؛ چه کافرشان و چه مؤمنشان.^{۴۰}

به همین دلیل است که در زندگی پیامبر ﷺ خوش‌خویی و مهربانی، کلید کام‌یابی در ابلاغ رسالت بوده است. در قرآن در این باره می‌خوانیم:

رحمت خدا، تو را با خلق، مهربان و خوش‌خوی گردانید. اگر تندخوی و سخت‌دل بودی، مردم از گرد تو پراکنده می‌شدند.^{۴۱}

نمونه‌های فراوانی از مدارای پیشوایان معصوم علیهم‌السلام با اهل کتاب، گزارش شده است. به عنوان نمونه؛ از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌شود که فرمود:

اگر با یهودی هم‌نشین شدی، با او نیک معاشرت کن.^{۴۲}

در روایتی دیگر آمده است:

پیرمرد ناینایی از مسیحیان، گدایی می‌کرد. امام علی علیه‌السلام فرمود: از او کار کشیدید و چون پیر و ناتوان شده است، از یاری به وی دریغ کردید، هزینه‌های

زندگی او را از بیت‌المال بدهید.^{۴۳}

این گونه، گزارش‌ها به روشنی نشان می‌دهند که سبک زندگی اهل بیت عليهم السلام بر محور مهربانی و حق‌مداری، استوار بوده است و حتی سهمی از بیت‌المال را به ناتوانان اهل کتاب اختصاص می‌دادند.

۲-۲. سلام کردن و طلب خیر برای اهل کتاب

سلام از اسامی خداوند است.^{۴۴} برخی معتقدند که علت توصیف خداوند به سلام، آن است که عیوب و آفت‌ها به حضرتش راه ندارد.^{۴۵} در زمان جاهلیت، تازیان با عبارت‌های انعم صباحا، ابیت اللعن و سلام‌علیکم به یکدیگر تحیت می‌گفتند. سلام علیکم، نشانه مسالمت بود و با بیان آن، به یکدیگر می‌فهماندند که جنگی میان ایشان نیست. پس از آن، اسلام تحیت را منحصر در سلام کرد و به افشای آن فرمان داد.^{۴۶} در حقیقت، گوینده با سلام دادن، از خداوند سلامتی و امنیت را برای مخاطب خویش درخواست می‌کند.^{۴۷} صلح و امنیتی که برای دو طرف، هم‌سنگ و برابر است.^{۴۸}

این سنت الهی منحصر به مسلمانان نبوده است و خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دستور داده است که به ایمان‌آوردندگان به آیات الهی، سلام و تحیت خدا را ابلاغ فرماید؛ زیرا اینان مشمول رحمت الهی هستند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

وقتی افرادی که به آیات ما ایمان آورده‌اند نزد تو می‌آیند، بگو سلام

علیکم؛ پروردگار، رحمت بر شما را بر خود واجب کرده است.^{۴۹}

شاید به همین سبب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نامه خود به پادشاه مسیحی حبشه را با عبارت سلام علیک^{۵۰} آغاز کرد ولی در نامه به سرکرده قبطیان مصر و پادشاه روم، به عبارت سلام علی من اتبع الهدی^{۵۱} بسنده کرد. در آن دوران، نجاشی، پادشاه حبشه مسلمان شد و پادشاه روم تنها به نامه، احترام بسیار کرد. این تفاوت نهادن، در دیگر آیه‌های قرآن پذیرفته شده است؛ زیرا چنان که پیش‌تر بیان شد، برخی آیه‌های قرآنی به روشنی بر وجود گروهی از

اهل کتاب که معتقد به آیه‌های قرآن هستند، تصریح دارد و آنها را با دیگر اهل کتاب، یک‌سان نمی‌داند.

این روش در زندگی ائمه معصوم علیهم‌السلام ادامه یافت. ولی از آن‌جا که در روزگار معصومان علیهم‌السلام با گسترش اسلام، حجت بر بسیاری از اهل کتاب آن زمان تمام شده بود، پیشوایان شیعه، بیشتر آنها را از معتقدان به آیات الهی نمی‌دانستند و از آغاز کردن به سلام درباره اهل کتاب آن زمان، نهی می‌کردند.^{۵۲} با این وجود، شیعیان و مسلمانان را از جواب سلام اهل کتاب، باز نمی‌داشتند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مناظره با اسقفان مسیحی نجران، به آنان جواب سلام داد.^{۵۳} از این‌رو در برخی از روایت‌ها، جواب سلام به اهل کتاب با عبارت‌هایی هم‌چون علیکم، علیک یا سلام^{۵۴} مجاز شمرده می‌شود.^{۵۵}

علاوه بر این، امامان معصوم علیهم‌السلام پیروان خود را از دعا کردن برای اهل کتاب و طلب خیر و برکت در امور دنیایی برای آنها منع نمی‌فرمودند. در یکی از این روایت‌ها، هنگامی که شخصی از چگونگی دعا برای یهودیان و مسیحیان می‌پرسد، حضرت به او می‌آموزد که از خدا برای آنها برکت دنیا را بخواهد.^{۵۶}

با جمع‌بندی این نکته‌ها، می‌توان ادعا کرد که روش زندگی امامان شیعه علیهم‌السلام، حتی در جزئی‌ترین امور، بر اساس وظیفه هدایت‌گری آنها تنظیم شده است. از این‌رو اهل بیت علیهم‌السلام در رفتارهای روزمره می‌کوشیدند نادرستی باورهای اهل کتاب را به آنان اثبات نمایند و گوشزد کنند که سرسپردگی به آموزه‌های انحرافی، اسباب سلب سلامت و امنیت الهی از آنان را فراهم خواهد کرد.

نهی پیشوایان شیعه از ابتدا سلام کردن، به دلیل معنای ویژه سلام بوده است و هیچ نوع خشونت و تعصبی را در سبک زندگی آنها در بر ندارد. اهل‌بیت علیهم‌السلام و پیشوایان معصوم شیعه، جانشینان پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و همانند او، رحمت برای جهانیان^{۵۷} هستند.

از این رو در روش زندگی ایشان، طلب خیر دنیا برای اهل کتاب سرزنش نشده است. بدین سبب از روایت‌ها نمی‌توان نتیجه گرفت که جای‌گزین‌های دیگر^{۵۸} سلام که در گفت‌وگوهای روزمره ملت‌های مختلف به کار می‌رود، به وسیله اهل بیت علیهم السلام نهی شده باشند. از این رو، مسلمانان می‌توانند برای نشان دادن ادب و رأفت اسلامی، از آنها استفاده کنند.

۳-۲. تکریم اهل کتاب و هم‌سفره شدن با آنها

استفاده از طعام اهل کتاب از مواردی است که ائمه معصوم علیهم السلام به پیروی از قرآن، برای مسلمانان مجاز می‌دانستند. خداوند در یکی از آیة‌های قرآن می‌فرماید:

طعام اهل کتاب بر شما، و طعام شما نیز بر آنها حلال است.^{۵۹}

با این وجود، منظور از طعام اهل کتاب در این آیه چیست؟ طعام از دید برخی از اهل لغت، معنای گسترده‌ای دارد و شامل هر خوراکی آماده و پختنی می‌شود.^{۶۰} شاید به همین دلیل، بیشتر مفسران و دانشمندان اهل سنت معتقدند که این آیه، هرگونه خوراکی را در بر می‌گیرد. از این رو از دید این افراد، خوردن غذاهای یهودیان و مسیحیان که حاوی گوشت ذبح نشده باشد به موجب این آیه حلال است.^{۶۱} برخی از فقهای پیشین شیعه مانند شیخ صدوق^{۶۲} به حلیت ذبیحه اهل کتاب معتقد بودند.^{۶۳}

با این وجود، در حدیث صحیحی، امام صادق علیه السلام از خوردن ذبیحه اهل کتاب نهی می‌کند و طعام در آیه یاد شده را به حبوبات و امثال آن تفسیر می‌فرماید.^{۶۴} در تفسیر علی بن ابراهیم از امام صادق علیه السلام نقل می‌شود که منظور از طعام اهل کتاب در آیه، حبوبات و میوه‌ها است، نه ذبیحه‌های آنها؛ زیرا آنها هنگام ذبح کردن، نام خدا را نمی‌برند.^{۶۵}

از این رو، بسیاری از مفسران و فقهای شیعه بر این باورند که منظور از حبوب در روایت‌های اهل بیت علیهم السلام، به قرینه روایت‌های دیگری که مسلمانان را از خوردن ذبیحه

اهل کتاب و خمر نهی می‌کند، منحصر در حیوانات مصطلح نبوده است و مسلمانان می‌توانند از انواع غذاهای اهل کتاب که در آن، مواد نهی شده به کار نرفته است، استفاده کنند.^{۶۶} بنابراین حلیت در این آیه شریف، شامل غذایی نمی‌شود که از حیوان حرام گوشت مانند خوک فراهم شده است و یا حیوان حلال گوشتی است که به فرمان شرع مقدس اسلام ذبح نشده است؛ زیرا استفاده از این گوشت‌ها در آیه‌های دیگر با عناوینی همانند رجس و فسق و اثم به شدت نهی شده است.^{۶۷}

پرهیز از غذاهای حرام در سبک زندگی پیشوایان معصوم علیهم‌السلام به اندازه‌ای مهم است که این بزرگواران با این که برگزیدن دایه از زنان اهل کتاب را روا می‌دانند، به دلیل تأثیر خوراک در جسم و روح نوزاد مسلمان،^{۶۸} به شیعیان خود گوشزد می‌کردند که دایه را از خوردن محرّماتی مانند گوشت خوک و شراب بازدارند.

در یکی از روایت‌ها، راوی می‌گوید:

از امام علیه‌السلام پرسیدم که می‌توان زن یهودی و نصرانی یا مجوسی را برای شیر دادن نوزاد انتخاب کرد؟ حضرت فرمود: اگر در خانه تو شیر داده، از محرّماتی هم‌چون خوک و شراب دوری کنند، اشکال ندارد.^{۶۹}

بنابراین با رعایت شروط یاد شده، هم‌غذا شدن با اهل کتاب مانعی ندارد^{۷۰} ولی نباید فراموش کرد که در آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام، مسلمانان علاوه بر نهی از نوشیدن شراب، از غذا خوردن و نشستن در کنار سفره حاوی شراب نهی شده‌اند.^{۷۱} به نقل از امام صادق علیه‌السلام، پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چنین شخصی را ملعون خطاب کرده است.^{۷۲}

در برخی از روایت‌ها، شرط‌های دیگری مطرح شده است؛ مانند این که غذا مال مسلمان باشد و شخص کتابی، دست خود را بشوید^{۷۳} اما بسیاری از فقها معتقدند که امام معصوم علیه‌السلام به دلیل بی‌مبالاتی اهل کتاب در پرهیز از نجاست، این شروط را مطرح

کرده‌اند.^{۷۴}

۳. صلح طلبی و اجبار نکردن به پذیرش دین اسلام

صلح طلبی و زندگی مسالمت آمیز به اندازه‌ای در دین اسلام مهم است که خداوند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به سازش با مخالفان آشتی جو فرمان می‌دهد:

و اگر به صلح و آشتی گراییدند، تو نیز به آن بگرای و بر خدا توکل کن، که اوست شنوا و دانا.^{۷۵}

بنابراین اجبار نکردن اهل کتاب به پذیرفتن دین اسلام، یکی از اصولی است که ریشه در آیات الهی دارد و امامان معصوم عليهم السلام آن را تأیید کرده‌اند. خدا در قرآن، به دلیل روشن بودن راه راست از راه‌های انحرافی، اکراه انسان‌ها را به دین، نفی می‌کند و می‌فرماید:

«لا إكراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی»؛ در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه به خوبی آشکار شده است.^{۷۶}

بر این اساس، اکراه و اجباری در پذیرش دین نیست و انسان‌ها در انتخاب عقیده و دین، آزاد هستند. خداوند در آیات دیگری به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گوشزد می‌کند که او تنها بشیر و نذیر است و ایمان آوردن مخاطبان برعهده او نیست؛ زیرا همه انسان‌ها دارای اراده هستند و می‌فرماید:

بگو این حق از پروردگار شما است هر که خواهد ایمان بیاورد و هر که خواهد کافر شود.^{۷۷}

اجرای این اصل، بارها در منش رفتاری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم عليهم السلام گزارش شده است. به عنوان نمونه، هنگامی که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم با اسقفان مسیحی نجران روبه‌رو شد، آنها را به پذیرش اسلام وادار نکرد. هم‌چنین حضرت صلی الله علیه و آله و سلم به آنها اجازه داد

که نمازهای خود را در مسجد مدینه، رو به مشرق بخوانند.^{۷۸}

۱-۳. سبک امامان شیعه در مناظره‌های علمی با اهل کتاب

براساس دستور قرآن، هیچ کس نباید احدی را وادار به پذیرش اسلام کند، ولی این امر به معنای بسته شدن راه تبلیغ و تنذیر نیست. یکی از مصداق‌های ابلاغ دین، گفت‌وگوهای علمی است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان شیعه عَلَيْهِمُ السَّلَام با اهل کتاب انجام داده‌اند. در ادامه به برخی از اصولی که امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام در گفت‌وگوهای خود با اهل کتاب رعایت می‌کردند، اشاره می‌کنیم.

الف) گفت‌وگو به شکل احسن با تأکید بر اصول مشترک

گفت‌وگو با اهل کتاب به وسیله قرآن، نهی نشده است اما به مسلمانان دستور داده شده است که این کار، به روش شایسته صورت گیرد:

با اهل کتاب، جز به [شیوه‌ای] که بهتر است، مجادله مکنید.^{۷۹}

اما مقصود از مجادله نیکو با اهل کتاب چیست؟ علامه طباطبایی در این باره می‌گوید:

مجادله وقتی نیکو به شمار می‌رود، که با درشت‌خویی و سرزنش و اهانت همراه نباشد و خصم را متاثر نکند ... دیگر این که دو طرف بحث، علاقه‌مند به روشن شدن حق باشند، ... و نیز به همین جهت است که دنبال کلام، مسئله نزدیک شدن با ایشان را بیان کرد، که چطور با اهل کتاب نزدیک شوید، که هم شما و هم ایشان در روشن کردن حق هماهنگ شوید، و ... و آن این است که نخست به ایشان بگویید: ما هم به آن چه به ما و هم به آن چه به شما نازل شده، باور داریم و معتقدیم که معبود ما و شما یکی است و ما تسلیم آن معبودیم.^{۸۰}

از این رو خداوند به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمان می‌دهد که آموزه‌های پذیرفته شده از سوی دو طرف را به اهل کتاب یادآور شود:

بگو ای اهل کتاب! بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یک‌سان است،

بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم، و برخی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد.^{۸۱}

اهل بیت علیهم‌السلام با استناد به قرآن، در گفت‌وگوی خود بر یکتاپرستی تأکید می‌کردند. گفت‌وگوی امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام با یکی از احبار یهودی در باب نفی مکان و زمان از باری تعالی^{۸۲} و گفت‌وگوی امام رضا علیه‌السلام با جاثلیق مسیحی درباره خدا نبودن حضرت مسیح^{۸۳} نشان‌دهنده پافشاری پیشوایان معصوم علیهم‌السلام بر توحید خالص الهی در تمام ابعاد زندگی آنها است.

ب) احترام به حق ابراز عقیده

اسلام، ابراز عقیده را برای مخالفان جایز می‌داند. نمونه‌های فراوانی در تاریخ و سیره پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام گزارش شده است که ثابت می‌کند آنان بر همین پایه، مناظرات را شکل می‌دادند. به عنوان نمونه، در جریان بحث‌های پیامبر با هیئت نجران، پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به آنان اجازه داد که عقاید و آرای خویش را بیان کنند. همچنین آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در نامه‌ای، تمام اسقفان منطقه‌ای را به رسمیت شناخت و اجازه داد آزادانه به مناسک دینی خود عمل کنند.^{۸۴}

ج) محترم شمردن کتاب‌های آسمانی اهل کتاب و اهانت نکردن به مقدسات آنها

قرآن، خود را مهیمن و تصدیق‌کننده تورات حضرت موسی علیه‌السلام و انجیل حضرت عیسی علیه‌السلام معرفی می‌کند. از نگاه قرآن، این دو کتاب، الهی و حاوی هدایت و نور^{۸۵} هستند. این نکته را نباید فراموش کرد، نوشتاری که هم‌اکنون در اختیار عیسویان و موسویان قرار دارد، دچار تحریف‌های بسیاری شده است و معتقدان به آنها، بهره‌ای اندک از آن کتاب‌های آسمانی دارند.^{۸۶}

امامان معصوم علیهم‌السلام با استناد به برخی از عبارات تورات و انجیلی که در اختیار اهل

کتاب بود، می‌کوشیدند یهودیان و مسیحیان را براساس تورات و انجیل قانع کنند.^{۸۷} افزون بر این، امیرالمؤمنین علیه السلام سوگند دادن یهودیان را به تورات فرودا آمده به حضرت موسی روا می‌دانستند.^{۸۸}

هم‌چنین، اهانت نکردن به مقدسات طرف گفت‌وگو، از اصول اخلاقی در گفتمان است. اهل بیت علیهم السلام که هدایت‌گری و روشن‌گری را وظیفه اصلی خویش می‌دانستند، بیش از همه به این اصل اخلاقی پای‌بند بودند و هرگونه بدگویی و دشنام را محکوم می‌کردند؛ زیرا این بداخلاقی‌ها، مناظره علمی را به نزاع متعصبانه بدل می‌کند. خداوند در قرآن در این باره می‌فرماید:

و آنها - یعنی خدایان مشرکان - را که به جای خدای یکتا می‌خوانند، دشنام

مدهید که آنان نیز خدای را از روی ستم و دشمنی و بی‌دانشی دشنام گویند.^{۸۹}

به همین دلیل در سبک زندگی امامان شیعه علیهم السلام، عقلانیت و مهرورزی، جای‌گزین همیشگی بدگویی و بددهنی بوده است.

۴. احترام به حقوق اهل کتاب

قرآن کریم و دین مقدس اسلام، آخرین و کامل‌ترین کتاب آسمانی و دین هستند که خداوند بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل فرموده است و با تشریح اسلام و نزول قرآن، سایر ادیان الهی منسوخ شده‌اند، ولی این امر به معنای جنگیدن با اهل کتاب نیست، بلکه آنان می‌توانند با بستن قراردادهایی هم‌چون عهد ذمه، در پناه اسلام باشند و از ایمنی و آسایش بهره‌مند شوند. پیمان‌نامه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با ترسایان نجران، یکی از مواردی است که به روشنی، احترام اسلام به اهل کتاب را نشان می‌دهد. اسقف‌های نجران، پس از پرهیز از مباحله با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، پیمانی امضا کردند که در بخشی از آن نوشته شده بود:

کلیساها و صومعه‌ها و هر آنچه در اختیار داشتند، همانند پیش، تحت اختیار

آنها باقی خواهد ماند. با امان خدا و ضمانت رسول او، هیچ اسقفی از مقامش و هیچ راهبی ... برکنار نخواهد شد و نیز هیچ تغییری در حقوق و امتیازات آنها داده نخواهد شد و از هر چه تاکنون در اختیار داشتند، برخوردار خواهند بود. ستم نکنند و ستم نبینند.^{۹۰}

روش امامان شیعه، به ویژه حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام که افزون بر مقام امامت، به خلافت هم رسید، چنین بوده است. آن حضرت علیه‌السلام برخلاف بیشتر حاکمان، علاوه بر این که حقوق و پیمان‌های اهل کتاب با حکومت اسلامی را به رسمیت می‌شناخت، از زیر پا گذاشتن آن به وسیله مردم، بسیار برآشفته می‌شد. رویداد ذیل که از قول آن حضرت علیه‌السلام نقل شده است، گواه محترم بودن این حقوق در نزد امامان شیعه است.

شنیده‌ام مهاجم به خانه‌های مسلمانان و کسانی که در پناه اسلام هستند درآمده، گردن‌بند و دست‌بند و گوشواره و خلخال از گردن و دست و پای زنان به در کرده است. در حالی که آن ستم‌دیدگان برابر آن متجاوزان، جز زاری و رحمت خواستن، سلاحی نداشته‌اند ... اگر از این پس مرد مسلمانی از غم چنین حادثه‌ای بمیرد، چه جای ملامت است که در دیده من، شایسته چنین کرامت است.^{۹۱}

این روش در زندگی دیگر معصومان علیهم‌السلام نیز گزارش شده است. از دید ایشان، مال و جان اهل کتابی که با مسلمانان، عقد ذمه بسته باشند، محترم است. این پیمان، تعهدی است که اهل کتاب با امام مسلمانان در شرایط خاصی می‌بندند.^{۹۲} یکی از این شرایط، آن است که به قوانین اسلامی احترام بگذارند، با زنان مسلمان ازدواج نکنند، منکرات اسلام را آشکارا انجام ندهند، علیه مسلمانان جاسوسی و فتنه‌انگیزی نکنند و مالیاتی را به عنوان جزیه به حکومت اسلامی بپردازند.^{۹۳} در مقابل، جامعه اسلامی تکالیفی را در برابر آنها

برعهده می‌گیرد که برخی از آنها عبارت هستند از:
 جان، مال و ناموس آنها مصون از تعرض است؛^{۹۴}
 آنها در عقاید مذهبی خود آزادند و مجبور به پذیرفتن اسلام نیستند؛ زیرا در دین
 اکراهی نیست؛^{۹۵}
 آنها در استفاده از شراب و خوک که در دین ایشان حلال شمرده شده است، آزاد
 هستند، مشروط به این که در جامعه مسلمانان به آن تظاهر نکنند؛^{۹۶}
 معابد اهل کتاب که پیش از پیمان ذمه ساخته شده است، مورد احترام مسلمانان
 است؛^{۹۷}
 اهل ذمه، مانند مسلمانان حق دادخواهی از مراجع اسلامی را دارند. در این صورت،
 حکومت اسلامی ملزم به قضاوت عادلانه یا خودداری از آن خواهد بود. قرآن کریم در این
 باره می‌فرماید:

اگر پیش تو آمدند میانشان حکم کن، یا از آنها روی بگردان، اگر روی
 از ایشان بگردانی، ترا زیانی نتوانند زد، اگر حکم کردی، میانشان به انصاف
 حکم کن، که خدا انصاف کاران را دوست دارد.^{۹۸}

آنها در مسائل شخصی مثل زناشویی، طلاق، ارث و وصیت دارای استقلال هستند و
 در تمام امور اقتصادی، هم‌چون مالکیت، تجارت، کار و شغل، با مسلمانان تفاوتی ندارند و
 می‌توانند در بازار مسلمانان براساس ضوابط اسلامی کسب و کار کنند و با مسلمانان روابط
 بازرگانی داشته باشند.^{۹۹}

۴-۱. رویکرد امامان معصوم علیهم‌السلام درباره قوانین داخلی اهل کتاب

در سیره زندگی امامان شیعه علیهم‌السلام، قوانین اهل کتاب به موجب پیمان ذمه به رسمیت
 شناخته می‌شود. از این رو، یهودیان و مسیحیان می‌توانند براساس دین خود، به رفع اختلاف
 بپردازند. افزون بر این، اهل ذمه می‌توانند به دادگاه‌های اسلامی شکایت کنند. سیره

امامان معصوم علیهم‌السلام، بیان‌گر این نکته است که حاکم اسلامی می‌تواند به موجب آیه «فَإِنْ جَاءَوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ»^{۱۰۰} میان آنان براساس شریعت عادلانه اسلام^{۱۰۱} داوری کند، یا از پذیرش داوری سر باز زند.^{۱۰۲}

بر اساس روش امامان معصوم علیهم‌السلام در صورت اختلاف، میان اهل ذمه و مسلمانان، باید حقوق اهل کتاب محترم شمرده شود. گواه روشن این امر در ماجرای امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام و یکی از اهل کتاب مشاهده می‌شود. بر اساس این واقعه تاریخی، حضرت علی علیه‌السلام، زره خود را در یکی از جنگ‌ها گم کرده بود. پس از مدتی، آن را در دست فردی ترسا یا یهودی دید. ایشان به آن فرد اعتراض کرده و مدعی شد که آن زره، متعلق به او است. در این پیش‌آمد، با این‌که اختلاف به دادگاه اسلامی کشیده شد، حق آن شخص پایمال نگردید و در پایان، به دلیل شاهد نداشتن حضرت علی علیه‌السلام، قاضی به سود آن شخص حکم داد. این روش اسلامی، به اندازه‌ای در آن فرد تأثیر گذاشت که خود او، افزون بر تأیید ادعای آن حضرت علیه‌السلام به اسلام گروید و مسلمان شد.^{۱۰۳}

۲-۴. روش امامان معصوم علیهم‌السلام در ازدواج با اهل کتاب

در سیره عملی امامان شیعه علیهم‌السلام بر پاک‌دامنی زنان اهل کتاب تأکید می‌شود و به همین دلیل، برخی از مادران اهل بیت علیهم‌السلام، از زنان پاک‌دامن اهل کتاب بودند که به دین اسلام تشریف یافتند. مادر حضرت امام عصر علیه‌السلام، نمونه برجسته‌ای در این زمینه است^{۱۰۴} اما آیا بدون تشریف این زنان به اسلام، می‌توان با آنها ازدواج کرد؟ در یکی از آیه‌های قرآن، به زناشویی با اهل کتاب اشاره شده است:

امروز ... [بر شما حلال است ازدواج با] زنان پاک‌دامن از مسلمان. و زنان

پاک‌دامن از کسانی که پیش از شما کتاب [آسمانی] به آنان داده شده، به شرط

آن‌که مهرهایشان را به ایشان بدهید.^{۱۰۵}

با توجه به روایت‌ها، اگر زن و مردی از اهل کتاب باشند و مرد به اسلام مشرف شود، این زناشویی ادامه می‌یابد و شرع مقدس بر درستی تداوم این ازدواج حکم کرده است^{۱۰۶} ولی در صورتی که مرد مسلمانی قصد ازدواج دائم یا موقت با زنی از اهل کتاب را داشته باشد، پنج دیدگاه از فقهای شیعه مطرح شده است. گروهی به حرمت^{۱۰۷} و گروهی به جواز هر دو نوع ازدواج فتوا داده‌اند.^{۱۰۸} گروه سوم به جواز ازدواج موقت و حرمت ازدواج دائم معتقد شده^{۱۰۹} و برخی قول چهارمی را برگزیده‌اند و به جواز در هنگام ضرورت و حرمت در هنگام اختیار نظر داده و فقیهانی با رد این نظریه، به جواز عقد موقت در هنگام ضرورت و حرمت هر دو در حال اختیار^{۱۱۰} فتوا داده‌اند.^{۱۱۱}

با بررسی احادیث این باب و نظر فقها، به نظر می‌رسد که صدور برخی روایت‌ها در جواز زناشویی با زن اهل کتاب انکارناپذیر است.^{۱۱۲} به همین دلیل در ازدواج موقت با زن کتابی، مشهور فقهای شیعه، مانند شیخ طوسی،^{۱۱۳} به جواز آن فتوا داده و حتی برخی آن را مورد اجماع دانسته‌اند.^{۱۱۴} هم‌چنین درباره ازدواج دائم با زن اهل کتاب، برخی از بزرگان شیعه، مانند شیخ صدوق و پدر ایشان، این نظریه را پذیرفته‌اند. به همین دلیل، بسیاری از فقهای متأخر^{۱۱۵} و معاصر^{۱۱۶}، آن را قبول کرده‌اند. از این رو، این دیدگاه «قولی شاذ و برگرفته از فقهی جدید نیست».^{۱۱۷}

با وجود این جواز، هیچ گزارشی از ازدواج با اهل کتاب، در زندگی امامان معصوم علیهم‌السلام و شخصیت‌های معروف شیعه ثبت نشده است. این امر نشان می‌دهد که علاوه بر پاک‌دامنی در مسائل اخلاقی، پاک‌دامنی همسر از باورهای مشرکانه ضروری است؛ زیرا نهاد خانواده، براساس عشق و مودت^{۱۱۸} و تمایل زن و شوهر به یکدیگر بنا شده است. از این رو، انحراف فکری هر یک از ایشان، زمینه‌ساز انحراف همسر و فرزندان خواهد بود. به همین دلیل، به اعتقاد برخی از بزرگان، با توجه به تعدادی از آیه‌ها^{۱۱۹} و روایت‌های این باب، این گونه ازدواج‌ها مربوط به افراد و مواقع خاصی بوده است^{۱۲۰} و بدون شک در

مواردی که به شرک و انحراف افراد خانواده منجر شود، امری ناروا و نادرست و دارای درجاتی از کراهت است.^{۱۲۱}

۳-۴. حق مالکیت اهل کتاب و روابط اقتصادی امامان معصوم عليهم السلام با آنها

در سبک زندگی پیشوایان معصوم عليهم السلام، حق مالکیت بسیاری از اهل کتاب تأیید شده است. چنان که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با اهل کتاب، روابط بازرگانی داشت و نقل می‌شود که ایشان از یک یهودی درخواست خرید سلف کرد.^{۱۲۲} هم‌چنین در زمان فوت آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ زره ایشان در گروهی یهودی بود.^{۱۲۳} امیرالمؤمنین عليه السلام، ولیمه ازدواج خود را از پول حاصل از رهن زره‌اش در نزد یک یهودی فراهم کرد.^{۱۲۴}

از نگاه امامان معصوم عليهم السلام، اموال کفار حربی محترم شناخته نمی‌شود^{۱۲۵} اما حق مالکیت و تجارت اهل کتابی که با دولت اسلامی پیمان بسته‌اند، مانند جان ایشان، محترم و مصون از دست‌اندازی است. به همین دلیل اگر مسلمانی به دستبرد دارایی اهل ذمه اقدام کند، حدّ سرقت بر او اجرا خواهد شد.^{۱۲۶}

علاوه بر این، بسیاری از فقهای شیعه معتقد هستند که ائمه عليهم السلام دریافت ربا از اهل کتابی را که در ذمه یا امان حکومت اسلامی هستند، جایز نمی‌دانند. این امر، تأکید دوباره‌ای بر محترم بودن دارایی این گروه است.^{۱۲۷} در این بین، استثناهایی وجود دارد، مانند فروش کتاب مقدس قرآن^{۱۲۸} و هر آن‌چه سبب تسلط اهل کتاب بر مسلمانان شود، باطل و حرام اعلام شده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

وَكُنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا.^{۱۲۹}

نتیجه

در عصری که هواپیماها، سفر به کشورهای دوردست را از آرزو به واقعیت مبدل کرده‌اند و ابزارهای ارتباطی مانند اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای، مرزهای فرهنگی کشورها را درنور دیده‌اند، ارتباط با اهل کتاب امری ناگزیر است؛ زیرا در این دهکده جهانی، بخش چشم‌گیری از جمعیت را اهل کتاب تشکیل می‌دهند و فرهنگ، زبان، سیاست و اقتصاد آنها امور اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سبک زندگی پیامبر ﷺ و اوصیای او با اهل کتاب، به مسلمانان در این عصر می‌آموزد:

۱. برخلاف کژاندیشی برخی متعصبان، تعامل با اهل کتاب، امری مردود و مطرود نیست. پیامبر ﷺ و اوصیای او، حتی در خصوصی‌ترین روابط زندگی؛ یعنی ازدواج، راه تعامل با این گروه را نبسته‌اند؛

۲. برخلاف تبلیغ دشمنان اسلام، صلح‌طلبی، خوش‌رویی و احترام به حقوق، حتی در تعامل با اهل کتاب، امری شایسته است اما برخلاف تلقی مسامحه‌کاران، دارای تساهل و تسامح بی‌حد و اندازه نیست؛

۳. داشتن روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با اهل کتاب، در سیره امامان معصوم علیهم‌السلام گزارش شده است. بنابراین، مسلمانان باید با بازخوانی دقیق سبک زندگی پیشوایان خود، میان افراط و تفریط، راهی را در پیش گیرند که در فرهنگ و آیین آنها هضم نشوند؛

۴. شیوه ارتباط معصومان علیهم‌السلام با اهل کتاب، اصولی دارد که در آیات الهی به روشنی بیان شده است. از این‌رو، برای فهم گفتار و رفتار اهل بیت علیهم‌السلام، دقت در آیات الهی امری ضروری است.

پی نوشت‌ها:

۱. احزاب، آیه ۲۱.
۲. این اصطلاح برگرفته از کتاب انسان دویست و پنجاه‌ساله، اثر رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای است.
۳. عمید زنجانی، حقوق اقلیت‌ها براساس قرارداد ذمه، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲.
۴. _____، اسلام و همزیستی مسالمت‌آمیز، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۴۴.
۵. مائده (۵) آیه ۱۵.
۶. بقره (۲) آیه ۱۴۴.
۷. نساء (۴) آیه ۴۴.
۸. برخی از علما با استناد به برخی از آیه‌ها و روایت‌ها، «مجوس» و «صائبین» را از اهل کتاب می‌دانند. مقاله حاضر برای دوری از این اختلاف، تنها درباره یهودیان و مسیحیان که به یقین از اهل کتاب هستند، بحث می‌کند.
۹. رک: آل عمران (۳) آیه ۹۸؛ بینه (۹۸) آیه ۱؛ حشر (۵۹) آیه ۲. آل عمران (۳) آیه ۷۰.
۱۰. رک: سید کاظم طباطبایی، العروة الوثقی، قم: مؤسسه‌ی الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ هـ. ق، ج ۱، ص ۶۸.
۱۱. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» حجرات (۴۹)، آیه ۱۳.
۱۲. نساء (۴) آیه ۱.
۱۳. اعراف (۷) آیه ۲۶، ۲۷، ۳۵، ۱۷۱؛ اسراء (۱۷) آیه ۱۰.
۱۴. در حدود شصت آیه، با این کلمه روبه‌رو هستیم، مانند انفطار (۸۲) آیه ۶.
۱۵. نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۴۲۰ هـ. ق، نامه ۵۳، ص ۴۲۷؛ حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول، قم: دفتر انتشارات

- اسلامی، ۱۴۰۴ هـ. ق، ص ۱۲۷.
۱۶. نهج البلاغه، پیشین، نامه ۵۹: «و لیکن امر الناس عندک فی الحق سواء»، نامه ۷۰: نصر بن مزاحم، وقعة صفین، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ هـ. ق، ص ۹۵.
۱۷. نهج البلاغه، پیشین، نامه ۲۷.
۱۸. نساء (۴) آیه ۱۶۰ - ۱۶۱.
۱۹. همان، آیه ۱۶۲.
۲۰. آل عمران (۳) آیه ۱۹۹.
۲۱. همان، ۱۱۴ - ۱۱۳.
۲۲. عهد ذمه، مهاده، امان و صلح از ابن پیمان‌ها هستند. برای مطالعه بیشتر، رک: محمدحسن نجفی، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، ۱۴۱۶ هـ. ق، ج ۲۳، ص ۳۸۴.
۲۳. ممتحنه (۶۰) آیه ۸؛ برای مطالعه بیشتر رک: سید محمد حسین طباطبایی، *المیزان*، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ هـ. ق، ج ۱۹، ص ۴۰.
۲۴. فخرالدین طریحی، *مجمع البحرین*، تهران: انتشارات مرتضوی، ۱۴۱۶ هـ. ق، ج ۳، ص ۲۱: «البر علی ما قبل اسم جامع للخیر کله».
۲۵. راغب اصفهانی، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۲ هـ. ق، ج ۱، ص ۱۱: البر؛ التوسع فی فعل الخیر.
۲۶. شیخ انصاری و آیت الله خویی از فقهای هستند که دلالت اخبار بر پاکی ذاتی اهل کتاب را تأیید می‌کنند، به دلایلی مثل اعراض مشهور از این اخبار، از افتنا به پاکی اهل کتاب می‌پرهیزند. این امر نشان می‌دهد که این اخبار به خودی خود بیانگر پاکی اهل کتاب است. برای مطالعه بیشتر، رک: خویی، *التنقیح فی شرح العروة الوثقی*، قم: بی‌نا، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۵۳؛ مرتضی انصاری،

- کتاب الطهارة، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم، ۱۴۱۵ هـ. ق، ج ۵، ص ۱۰۴.
۲۷. محمد بن حسن حرعاملی، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ هـ. ق، ج ۲، باب ۱۴ از ابواب نجاسات، ح ۱۱.
۲۸. حرعاملی، پیشین، ج ۲، باب ۱۹ از ابواب غسل میت، ح ۱.
۲۹. حلی، منتهی المطلب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۲ هـ. ق، ج ۱۵، ص ۶۴؛ همین قول در فتاوی فقها شهرت دارد. صاحب جواهر می گوید: «این همان شرطی است که پیامبر با اهل کتاب داشته است و من در قول به جواز این امر مخالفی نمی بینم، چنانکه علامه در منتهی چنین گفته و در کتاب تذکرة ادعای اجماع کرده است». برای مطالعه بیشتر ر.ک: نجفی، پیشین، ج ۲۱، ص ۲۵۳.
۳۰. محمد بن حسن طوسی، النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دار الکتاب العربی، ۱۴۰۰ هـ. ق، ص ۵۹۰.
۳۱. سید محمدعلی عاملی، مدارک الاحکام، قم: انتشارات آل البيت، ۱۴۱۱ هـ. ق، ج ۲، ص ۳۹۸.
۳۲. محمد محسن فیض کاشانی، مفاتیح الشرائع، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۰۹۱ هـ. ق، ج ۱، ص ۷۱.
۳۳. ایشان اخبار طهارت را به صراحت تأیید کرده است. آقارضا بن محمد هادی همدانی، مصباح الفقیه، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۶ هـ. ق، ج ۷، ص ۲۵۹.
۳۴. ایشان در آخر امر برای مخالفت نکردن با مشهور، احتیاط را برگزیده است. محمدکاظم آخوند خراسانی، اللمعات النيرة فی شرح تکملة التبصرة، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ هـ. ق، ج ۱، ص ۱۰۸.
۳۵. مانند، سید محسن طباطبایی حکیم در جواب استفتاء کاظم جباره عدوه، به نقل از رساله

الإسلام، ص ۲۰۱؛ آیت الله العظمی خامنه‌ای، *اجوبه الاستفتائات*، بی‌جا: موسسه فرهنگی ثقلین، ۱۴۱۷ هـ. ق، س ۳۱۳؛ برای مطالعه بیشتر ر.ک: محمد حسن زمانی، *طهارت و نجاست مشرکین و اهل کتاب*، بخش فقیهان قائل به طهارت اهل کتاب، ص ۱۳۹؛ محمد ابراهیم جناتی، *ادوار فقه و کیفیت بیان آن*، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.

۳۶. در آیه ۲۸ سوره توبه، مشرکان نجس دانسته شده‌اند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ

نَجَسٌ»

۳۷. اسراء (۱۷) آیه ۷۰.

۳۸. ر.ک: سید محمد حسین طباطبایی، *المیزان*، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۲۱۴.

۳۹. بقره (۲) آیه ۸۳.

۴۰. سید محمد حسین طباطبایی، *پیشین*، ج ۱، ص ۳۳.

۴۱. آل عمران (۳) آیه ۱۵۹.

۴۲. شیخ صدوق، *امالی*، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ص ۶۲۸.

۴۳. شیخ طوسی، *پیشین*، ج ۶، ص ۲۹۳.

۴۴. حشر (۵۹) آیه ۲۳.

۴۵. راغب اصفهانی، *پیشین*، ص ۴۲۲.

۴۶. محمد بن مکرم ابن منظور، *لسان العرب*، بیروت: دار الصادر، ۱۴۱۴ هـ. ق، ج ۱۲،

ص ۲۸۹.

۴۷. راغب اصفهانی، *پیشین*.

۴۸. سید محمد حسین طباطبایی، *پیشین*، ج ۵، ص ۵۱.

۴۹. انعام (۶) آیه ۵۴.

۵۰. علی احمدی میانجی، *مکاتیب الرسول*، تهران: دارالحدیث، ۱۴۱۸ هـ. ق، ج ۱، ص ۱۲۰؛

- جعفر سبحانی، فروغ/ابدیت، قم: بوستان کتاب، ۱۴۲۷ هـ. ق، ج ۲، ص ۲۲۹.
۵۱. احمدی میانجی، همان، ج ۱، ص ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۱؛ ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۱۶ هـ. ق، ج ۲، ص ۵۹۸ - ۵۹۹.
۵۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ هـ. ق، ج ۲، ص ۶۴۹.
۵۳. فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، بی جا: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۰ هـ. ق، ج ۱، ص ۲۵۵.
۵۴. محمد بن یعقوب کلینی، پیشین.
۵۵. سید محمد حسین طباطبایی، پیشین، ج ۱، ص ۷۱۶.
۵۶. محمد بن یعقوب کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۶۵۰.
۵۷. «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» انبیاء (۲۱) آیه ۱۰۷.
۵۸. کلماتی مانند Hello در انگلیسی و Hallo در زبان آلمانی و یا کلماتی مثل روز به خیر، صبح به خیر، شب به خیر که در ابتدای گفت و گو در تمام زبان ها به کار می رود.
۵۹. مائده (۵) آیه ۵.
۶۰. ابن منظور، پیشین، ج ۱۲، ص ۳۶۳؛ طریحی، پیشین، ج ۶، ص ۱۰۵؛ راغب اصفهانی، پیشین، ص ۵۱۹.
۶۱. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۴۱۴ هـ. ق، ج ۳، ص ۲۵۱.
۶۲. این حلیت به شرط گفتن نام خدا در هنگام ذبح آنها است. برای مطالعه بیشتر، رک: شیخ انصاری، کتاب المکاسب، قم: کنگره بزرگداشت شیخ انصاری، ۱۴۱۵ هـ. ق، ص ۱۴۰؛ شیخ صدوق، الهدایة فی الأصول، قم: مؤسسه امام هادی، ۱۴۱۸ هـ. ق، ص ۷۹ - ۸۰.

۶۳. ابن جنید و ابن ابی عقیل از آنها هستند. به نقل از: زین الدین بن علی (شهید ثانی)، *مسالك الألفهام*، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۳ هـ. ق، ج ۱۱، ص ۴۵۲.
۶۴. کلینی، پیشین، ج ۶، ص ۲۴۰.
۶۵. علی بن ابراهیم قمی، *تفسیر قمی*، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۸ هـ. ق، ج ۱، ص ۱۶۳؛ حر عاملی، پیشین، ج ۲۴، ص ۶۶.
۶۶. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: ناصر مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۱۶ هـ. ق، ج ۴، ص ۲۷۸؛ مجلسی، پیشین، ج ۶۳، ص ۵؛ مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۲۶؛ شیخ مفید، *تحريم ذبائح أهل الكتاب*، قم: کنگره هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ. ق، ص ۵۸۰.
۶۷. ر.ک: سید محمدحسین طباطبایی، پیشین، ج ۵، ص ۳۲۸.
۶۸. کلینی، پیشین، ج ۶، ص ۴۳.
۶۹. حر عاملی، پیشین، ج ۱۵، ص ۷۶، ح ۱.
۷۰. همان، ج ۲۴، ص ۲۱۱.
۷۱. ر.ک: محمدحسن بنی هاشمی خمینی، *توضیح المسائل ۱۲ مرجع*، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹ هـ. ق، ج ۲، مسئله ۲۶۳۴.
۷۲. کلینی، پیشین، ج ۶، ص ۲۶۸.
۷۳. همان، ص ۲۶۳.
۷۴. خوبی، *التنقیح فی شرح العروه الوثقی*، بی جا: بی نا، بی تا، ج ۲، ص ۴۹ - ۵۰؛ محمد ابراهیم جناتی شاهرودی، پیشین، ص ۱۵۵.
۷۵. «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» انفال (۸) آیه ۶۱.
۷۶. بقره (۲) آیه ۲۵۶.
۷۷. کهف (۱۸) آیه ۲۹؛ انعام (۶) آیه ۱۰۷؛ یونس (۱۰) آیه ۹۹.

- ۷۸ . محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۲۱، ص ۳۵۳.
- ۷۹ . عنكبوت (۲۹) آیه ۴۶.
- ۸۰ . سید محمد حسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۶، ص ۲۰۶.
- ۸۱ . «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ.» آل عمران (۳) آیه ۶۴.
- ۸۲ . کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۹۰.
- ۸۳ . شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، احتجاج امام رضا با علمای ادیان، تهران: نشر جهان، ۱۴۲۰ هـ. ق، ج ۱، ص ۱۵۹.
- ۸۴ . ابن کثیر دمشقی، البدایة و النهایة، بیروت: دار الفکر، بی تا، ج ۷، ص ۲۶۹.
- ۸۵ . مائده (۵) آیه ۴۴ - ۴۸.
- ۸۶ . آل عمران (۳) آیه ۲۳.
- ۸۷ . شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، پیشین، ج ۱، ص ۱۵۶، ۱۵۸ - ۱۶۲.
- ۸۸ . حر عاملی، پیشین، ج ۲۳، ص ۲۶۶.
- ۸۹ . «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ ..» انعام (۶)، آیه ۱۰۸.
- ۹۰ . ابن کثیر، پیشین، ج ۵، ص ۵۶؛ ابن سعد کاتب، الطبقات الكبرى، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ هـ. ق، ج ۱، ص ۲۰۴.
- ۹۱ . نهج البلاغه، پیشین، خطبه ۲۷.
- ۹۲ . محقق حلّی، تذکرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت، بی تا، ج ۹، ص ۲۷۵.
- ۹۳ . شهید اول، اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، بیروت: دار التراث، ۱۴۱۰ هـ. ق، ص ۸۲؛ محقق حلّی، پیشین، ج ۱، ص ۳۰۱.

۹۴. کلینی، پیشین، ج ۳، ص ۵۶۷.
۹۵. بقره (۲) آیه ۲۵۶.
۹۶. نجفی، پیشین، ج ۲۱، ص ۳۱۷؛ شیخ طوسی، پیشین، ج ۲، ص ۶۰.
۹۷. محقق حلی، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۰۸ هـ. ق، ج ۱، ص ۳۰۲.
۹۸. مائده (۵) آیه ۴۲.
۹۹. عمید زنجانی، پیشین، ص ۱۹۱.
۱۰۰. مائده، پیشین.
۱۰۱. همان، آیه ۴۶.
۱۰۲. حر عاملی، پیشین، ج ۲۷، ص ۲۹۶ - ۲۹۷؛ نجفی، پیشین، ج ۲۱، ص ۳۱۸.
۱۰۳. قاضی نورالدین شوشتری، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، قم: انتشارات آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۹ هـ. ق، ج ۸، ص ۵۳۵.
۱۰۴. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۵ هـ. ق، ج ۲، ص ۴۱۸.
۱۰۵. مائده (۵) آیه ۵.
۱۰۶. در کتاب‌های بسیاری، به استناد روایت ائمه معصومین علیهم‌السلام، به بقای ازدواج زن کنابی در هنگام اسلام آوردن شوهر وی تصریح شده است؛ مانند شیخ طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران: انتشارات مرتضوی، ۱۳۸۷ هـ. ق، ج ۴، ص ۲۱۲ و ۲۲۲؛ فخرالمحققین، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۷ هـ. ق، ج ۲، ص ۵۲۰؛ حسن بن یوسف حلی، تبصرة المتعلمین فی احکام الدین، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ هـ. ق، ص ۱۳۷؛ شهید اول، پیشین، ص ۱۸۰؛ محقق کرکی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه

- آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۴ هـ. ق، ج ۱۲، ص ۴۳۵ و ۴۶۵؛ شهید ثانی، *مسالك الافهام*، پیشین، ج ۷، ص ۳۶۵ و ۳۷۸؛ شهید ثانی، *الروضه البهیة*، پیشین، ج ۵، ص ۲۳۰؛ محمد حسین کاشف الغطاء، *وجیزة الأحکام*، نجف: مؤسسه کاشف الغطاء، ۱۳۶۶ هـ. ق، ج ۵، ص ۳.
۱۰۷. شیخ مفید، پیشین، ص ۷۶؛ علامه حلی، پیشین، ص ۵۶۷؛ فخرالمحققین، پیشین، ج ۳، ص ۲۲.
۱۰۸. علی بن بابویه، *علی بن موسی علیه السلام*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۶ هـ. ق، ص ۲۳۵؛ شیخ صدوق، *المقنع*، قم: مؤسسه امام هادی، ۱۴۱۵ هـ. ق، ص ۳۰۸؛ نجفی، پیشین، ج ۳۰، ص ۳۱.
۱۰۹. محقق کرکی، پیشین، ج ۱۲، ص ۳۹۱. این قول را به بیشتر متأخران نسبت داده است. یوسف بحرانی در *الحدائق الناضرة*، ج ۲۴، ص ۵، آن را اختیار المتأخرین می‌داند. شهید ثانی در *شرح لمعه*، ج ۵، ص ۲۲۸، این قول را أشهر الأقوال معرفی می‌کند.
۱۱۰. ابن براج طرابلسی، *عبد العزیز*، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۶ هـ. ق، ج ۲، ص ۱۸۷.
۱۱۱. فخرالمحققین، پیشین.
۱۱۲. سید موسی شبیری زنجانی، *کتاب نکاح*، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز، ۱۴۱۹ هـ. ق، ج ۱۶، ص ۵۲۳۷.
۱۱۳. شیخ طوسی، *النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی*، پیشین، ص ۴۵۷؛ همو، *المبسوط فی فقه الامامیه*، پیشین، ج ۴، ص ۲۱۰.
۱۱۴. سعید بن عبدالله قطب‌الدین راوندی، *فقه القرآن*، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ هـ. ق، ج ۲، ص ۱۳۵. ایشان از جواز نکاح موقت در نزد شیعه با زن کتابی با عبارت «عندنا» یاد می‌کند. یحیی بن سعید حلی در *الجامع للشرائع*، ص ۴۳۲، جواز متعه با زن کتابی را به همه فقهای شیعه نسبت می‌دهد.

۱۱۵. شهید ثانی، *مسالك الأفهام*، پیشین، ج ۷، ص ۲۵۱؛ فیض کاشانی، پیشین، ج ۲، ص ۲۴۹؛ نجفی، پیشین، ج ۳۰، ص ۳۱.
۱۱۶. خویی، *صراط النجاة*، قم: مکتب نشر المنتخب، ۱۴۱۶ هـ. ق، ج ۱، سؤال ۸۲۵؛ همو، *منهاج الصالحین*، قم: نشر مدینه العلم، ۱۴۱۶ هـ. ق، ج ۲، ص ۲۷۰؛ شبیری زنجانی، پیشین، ج ۱۶، ص ۵۲۳۷.
۱۱۷. شبیری زنجانی، همان.
۱۱۸. روم (۳۰) آیه ۲۱.
۱۱۹. مائده (۵) آیه ۵۱؛ مجادله (۵۸) آیه ۲۲.
۱۲۰. یکی از این موارد خاص، زمانی است که شخص احتمال آلوده شدن به گناه را دهد و از روی اضطرار به این ازدواج مبادرت کند.
۱۲۱. صاحب جواهر با وجود جواز نکاح متعه و دائم با اهل کتاب، همه اقسام آن را دارای درجه‌هایی از کراهت می‌داند ولی آیت‌الله شبیری زنجانی، علاوه بر جواز تمام اقسام، تنها به کراهت برخی از موارد قائل است. برای مطالعه بیشتر، رک: نجفی، پیشین، ص ۳۰، ج ۳؛ شبیری زنجانی، پیشین، ج ۱۶، ۵۲۳۷.
۱۲۲. محمد بن مسعود عیاشی، *تفسیر العیاشی*، تهران: المطبعة العلمیة، ۱۳۸۰ هـ. ق، ج ۲، ص ۲۵۱.
۱۲۳. عبد الله بن جعفر حمیری، *قرب الإسناد*، قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۳ هـ. ق، ص ۹۱.
۱۲۴. علی بن عیسی اربلی، *کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة*، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ هـ. ق، ج ۱، ص ۳۶۶.
۱۲۵. نجفی، پیشین، ج ۲۳، ص ۳۸۴.
۱۲۶. همان، ج ۴۱، ص ۴۸۹.

۱۲۷. نجفی، پیشین، ج ۲۳، ص ۳۸۴؛ برای مطالعه فتاوی‌ای معاصران ر.ک: محمدحسن بنی

هاشمی خمینی، پیشین، مسئله ۲۰۸۰.

۱۲۸. انصاری، پیشین، ج ۲، ص ۱۶۲.

۱۲۹. نساء (۴) آیه ۱۴۱.